

مقایسه جایگاه ایران و کشورهای همسایه در زنجیره‌های ارزش جهانی

سعیده احمدی^۱

چکیده

ادغام و مشارکت کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه در زنجیره‌های ارزش جهانی عامل اثرگذاری در رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست. با توجه به اهمیت روزافزون زنجیره‌های ارزش جهانی و رشد بسیار آن‌ها در تجارت جهانی، در این گزارش تلاش شده است تا جایگاه و نوع مشارکت ایران در مقایسه با کشورهای همسایه منتخب در زنجیره‌های ارزش جهانی در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۰۰ ارزیابی شود. نتایج این مطالعه عدم قرار گرفتن ایران در جایگاهی مناسب در زنجیره‌های ارزش جهانی را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های مورد بررسی نه تنها بالاترین میزان سهم ارزش‌افزوده داخلی از صادرات ناخالص را در میان کشورهای جهان داشته که به‌نوعی بیان‌کننده جایگاه ایران در مراحل اولیه زنجیره‌های ارزش جهانی است، بلکه رشد شاخص مشارکت کل ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی نیز منفی بوده است. در این راستا، به‌منظور ارتقای جایگاه ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی و افزایش سهم مشارکت و ادغام آن با اقتصاد جهانی، گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، حمایت از به‌روزرسانی فناوری‌های تولید و محصولات جدید، ترویج ارتباطات زنجیره تأمین داخلی، به‌کارگیری راهبرد بهینه در برابر تحریم‌های اقتصادی، توجه به نقش و اهمیت شرکت‌های چندملیتی در سیاست‌گذاری تجاری، شناسایی چگونگی و نوع مشارکت کشور در زنجیره‌های ارزش جهانی و بهبود وضعیت زیرساخت‌های تجاری، برخی از مهم‌ترین پیشنهادهای سیاستی در این حوزه برای سیاست‌گذاران خواهد بود.

واژگان کلیدی: زنجیره‌های ارزش جهانی، جایگاه ایران، کشورهای منتخب همسایه.

مقدمه

برتری مطلق و نسبی آدم اسمیت تا نظریه وفور عوامل هکشر اوهلین حکایت دارد که در نتیجه تقسیم بین‌المللی کار بر مبنای مزیت‌های نسبی و تجارت آزاد، منافع بیشتر تجارت آزاد عاید اقتصادهایی می‌شود که توانایی تولید کالاهای صنعتی با ارزش‌افزوده بالاتر را دارند. در واقع، تجارت آزاد نمی‌تواند از نوع بازی برد-برد باشد، بلکه بازی‌ای

نگاهی به تحولات الگوی تجارت جهانی از جنبه تاریخی حاکی است که بحث رابطه تجارت و توسعه از سرآغاز شکل‌گیری علم اقتصاد مدرن همیشه یکی از پرمانقه‌ترین و درعین‌حال، پرمناقشه‌ترین بحث‌های سیاست‌گذاری و تعیین راهبرد بوده است. مرور مسیر پیموده‌شده از ایده‌هایی مانند نظریه‌های

منطقه‌ای و جهانی تعارض دیدگاه دارد و نیز یکی از بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها بر اثر این الگوی مراد به ایران تحمیل شده است، اما تقریباً در تمام اسناد راهبرد توسعه صنعتی که برای کشور طراحی شده است، مشاهده می‌شود که محوریت این بوده است که ایران وارد زنجیره‌های ارزش جهانی شود درحالی‌که نقطه آغاز مشارکت در این زنجیره‌های ارزش این است که تحریم نباشد، تنش در روابط با قدرت‌های مطرح دنیا وجود نداشته باشد و نااطمینانی و پیش‌بینی‌ناپذیری نیز در کار نباشد. مثال دیگر اینکه، درحالی‌که در ۷۰ سال گذشته همواره بالغ بر ۸۵ درصد از کل اقلام صادراتی ایران را اقلام خام‌فروشی یا شبه‌خام‌فروشی تشکیل می‌دهد، در برنامه‌های توسعه کشور یا اسناد راهبرد توسعه صنعتی که تاکنون انتشار یافته است، داعیه دانایی‌محوری و صدور محصولات فناوری‌محور مطرح می‌شود.

مواردی که بیان شد، ریشه در عدم آگاهی بایسته از واقعیت‌ها و تحولات جهان به‌ویژه در حوزه تجارت بین‌الملل دارد. درحالی‌که الگوی تجارت جهانی تحول یافته است، تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان در ایران در جریان این تغییرات به شکل درست آن نیستند. این در حالی است که ظرفیت حکمرانی با واکنش مناسب به تغییرات و تحولات جهان نشان داده می‌شود. بدیهی است که به‌منظور بهره‌برداری حداکثری از منافع زنجیره‌های ارزش جهانی و سیاست‌گذاری تجاری آینده، شناخت ساختار تجارت ارزش‌افزوده و جایگاه ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی بسیار حائز اهمیت است. از این رو در

جمع صفر و تنها به نفع کشورهای پیشرفته است. با پیشرفت‌های فناوری در حوزه حمل‌ونقل و ارتباطات به‌ویژه در دو دهه اخیر، زنجیره‌های ارزش جهانی که محصول پیچیدگی محصولات و پراکندگی هستند، در تولید ظهور یافته است. این شکل از تجارت جدید به کشورها اجازه می‌دهد تا بدون داشتن مزیت نسبی و تخصص کافی در صنعت یا محصول، از منافع تجارت بین‌الملل بهره‌گیرند.

نگاهی به این تحولات در الگوی تجارت جهانی از جنبه روش‌شناختی نیز بسیار حائز اهمیت است. از جنبه روش‌شناختی، در دورانی که سرعت و شتاب تحولات بسیار بالاست، اگر کشور قادر به درک به‌موقع واقعیت‌های دنیای بیرونی نباشد، طبیعتاً نمی‌تواند به شکل اصولی در مسیر توسعه، اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی کارآمدی طراحی و تدوین کند. وقتی از دریچه روش‌شناختی و تاریخی به‌صورت ترکیبی به تجربه توسعه ایران نگاه می‌شود، ملاحظه می‌شود که اقتصاد ایران پیوسته در تأخیرهای بزرگ هم در فهم واقعیت و هم در طراحی برنامه‌ها، راهبردها و سیاست‌های مناسب بر اساس آن قرار داشته است. تمام مطالعات تاریخی و کلیدی مهم که از دریچه سیاست‌های تجاری ایران و پیوند آن با تشدید توسعه‌نیافتگی کشور انجام شده است، گواهی می‌دهند که برنامه‌ریزان اقتصادی ایران عمدتاً در فهم واقعیت مشکل داشته و قادر نبوده‌اند سیاست‌ها، اندیشه‌ها و راهبردهای کارآمد داشته باشد. برای مثال، درحالی‌که ایران در منطقه‌ای بسیار پرتنش در غرب آسیا قرار گرفته است و به‌گونه‌ای با برخی قدرت‌های



کانون توجه نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل قرار گرفت. فهرست روبه‌رشدی از اقتصاددانان معتقد هستند که رشد زیاد تجارت میان شرکت‌ها در کالاهای واسطه‌ای و تجارت خدمات، اشکال رقابت و تجارت جهانی را دچار تغییر کرده است؛ به جای ایجاد تجارت بیشتر در کالاهای نهایی، یکپارچگی جهانی به‌طور فزاینده‌ای با تجارت کالاها و خدمات واسطه‌ای که با عناوینی از جمله «تکه‌تکه شدن»، «برون‌مرزی» یا «تجارت در وظایف» شناخته می‌شود، مشخص می‌شود (Baldwin & Nicoud, 2014).

در باب اهمیت فزاینده و روبه‌رشد نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل گفتنی است که در یافته‌های طرح مشترک تحقیقاتی میان سازمان تجارت جهانی و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ در سال ۲۰۱۳ در خصوص تعیین اولویت‌ها و راهبردهای توسعه کشورهای درحال توسعه مشخص شد که برای این کشورها مشارکت در زنجیره ارزش جهانی^۲ و تسهیل تجاری به مهم‌ترین اولویت برای احیای اقتصادشان تبدیل شده است. به‌عبارت‌دیگر، این یافته‌ها بر این واقعیت تأکید دارند که برای بیشتر کشورهای درحال توسعه، پیوستن به زنجیره ارزش جهانی، به مسیر نیل به توسعه اقتصادی و شکل‌دهی به ساختار صنعتی تبدیل شده است.

درحالی‌که در دیدگاه سنتی تجارت بین‌المللی، هر کشور کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که به‌عنوان محصول نهایی برای مصرف‌کنندگان خارجی صادر می‌شوند، در اقتصاد جهانی امروز، این نوع تجارت

گزارش حاضر تلاش شده است تا تجزیه و تحلیل مشارکت ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی بررسی شود. در بخش نخست گزارش، مفاهیم و تعاریف زنجیره‌های ارزش جهانی ارائه شده است. شاخص‌های مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی در بخش دوم معرفی شده و در بخش‌های سوم و چهارم، جایگاه ایران با کشورهای منتخب همسایه در زنجیره‌های ارزش جهانی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در نهایت نیز پیشنهاد‌های سیاستی به‌منظور ارتقای جایگاه ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی ارائه شده است.

۱- مفهوم زنجیره‌های ارزش جهانی

درحالی‌که نظریه‌های متداول تجارت بین‌الملل در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ (از آدام اسمیت و ریکاردو تا هکشر اوهلین) پیوند میان عوامل تولید و کالاهای نهایی (صادرات کالای نهایی) را با نادیده گرفتن نقش و اهمیت کالاهای واسطه‌ای، مبنای تحلیل مزیت نسبی و رقابت‌پذیری کشورها قرار می‌دادند، این نوع نظریه‌ها در اواخر قرن ۲۰ و به‌ویژه در اوایل قرن ۲۱ به دلایلی مانند پیشرفت فناوری حمل‌ونقل و ارتباطات، گسترش انواع موافقت‌نامه‌های تجاری از جمله موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکا شمالی، ظهور بنگاه‌های چندملیتی و ظهور اقتصادهای نوظهور و باز شدن درهای دو ابرجمعیت جهان یعنی چین و هند، مورد چالش قرار گرفتند؛ به‌طوری‌که نقش کالاهای واسطه‌ای در پیوند عوامل تولید و کالاهای نهایی،

زنجیره‌هاست. در ادبیات این حوزه، روش‌های متعددی برای محاسبه شاخص‌های مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی وجود دارد. یکی از جامع‌ترین رویکردها، رویکرد کوپمن، ونگ و وی^۱ (۲۰۱۴) است که مقاله آن‌ها با عنوان «ردیابی ارزش‌افزوده در صادرات ناخالص» یکی از شناخته‌شده‌ترین و اثرگذارترین مقالات در این زمینه بوده است که نهادهای بین‌المللی از جمله آنکتاد (کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد) و صندوق بین‌المللی پول نیز در گزارش‌های خود برای محاسبه شاخص‌های تجارت ارزش‌افزوده به روش کوپمن و همکاران اشاره کرده‌اند. داده‌های منتشرشده آنکتاد که مبتنی بر روش کوپمن و همکاران است، برای محاسبه مشارکت یک کشور یا بخش، تجزیه و تفکیک اجزای صادرات ناخالص را به دو جزء ارزش‌افزوده خارجی^۲ و ارزش‌افزوده داخلی^۳ پیشنهاد می‌کند؛ البته در پایگاه داده‌های آماری آنکتاد، افزون‌بر این دو جزء، جزء سوم به نام ارزش‌افزوده غیرمستقیم^۴ نیز محاسبه شده که بخشی از ارزش‌افزوده داخلی هر کشور است که به کشورهای دیگر صادر و به‌عنوان نهاده در صادرات آن‌ها استفاده می‌شود.

ارزش‌افزوده خارجی شامل نهاده‌های تولیدشده در کشورهای دیگر است و در نتیجه، به تولید ناخالص داخلی کشور مرتبط نیست و مشارکت پیشین^۵ را ثبت می‌کند. جزء ارزش‌افزوده غیرمستقیم نیز مشارکت

تنها حدود ۳۰ درصد از کل تجارت کالاها و خدمات را تشکیل می‌دهد. در واقع، بر اساس آخرین آمار سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، حدود ۷۰ درصد از تجارت بین‌المللی، امروزه از طریق زنجیره‌های ارزش جهانی و بر اساس کالاها و خدمات واسطه‌ای صورت می‌گیرد؛ زیرا خدمات، مواد خام، قطعات و اجزای مختلف واسطه‌ای چندین بار از مرزها عبور می‌کنند و پس از آنکه به محصولات نهایی تبدیل شدند، به مصرف‌کنندگان در سراسر جهان ارسال می‌شوند. بنابراین، در ساختار زنجیره ارزش جهانی، محصول نهایی توسط کشورها صادر نمی‌شود، بلکه محصول واسطه‌ای با حرکت در طول زنجیره ارزش در کشورهای مختلف به محصول نهایی تبدیل می‌شود. منظور از زنجیره‌های ارزش جهانی، تمام فعالیت‌هایی است که شرکت‌ها و عوامل تولید برای رسیدن به محصول (کالا یا خدمت) از زمان ابتکار آن تا استفاده نهایی از آن انجام می‌دهند. این فعالیت‌ها شامل تحقیق و توسعه، تولید، حمل‌ونقل و توزیع، بازاریابی و فروش و خدمات پس از فروش به مصرف‌کننده نهایی است.

۲- شاخص‌های مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی

به‌طورکلی، یکی از مسائل مهم در زنجیره‌های ارزش جهانی، محاسبه شاخص‌های مشارکت در این

1. Koopman , Wang & Wei
2. Foreign Value-Added (FVA)
3. Domestic Value-Added (DVA)
4. Indirect Value-Added (IVA)
5. Backward Participation

کرده است. در ادامه این بخش، بر مبنای شاخص‌های تجارت ارزش‌افزوده، تصویری از جایگاه ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی ارائه شده است.

نمودار شماره ۱، بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی آنکتاد، سهم ارزش‌افزوده داخلی و سهم ارزش‌افزوده خارجی در ارزش صادرات کل را برای ایران و کشورهای همسایه در دو سال ۲۰۱۸ و ۲۰۰۰ نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ایران در میان کشورهای همسایه در سال ۲۰۱۸، بالاترین سهم ارزش‌افزوده داخلی را از کل صادرات که معادل ۹۹/۹ درصد بود، داشت. نکته شایان توجه اینکه، سهم ارزش‌افزوده داخلی از کل صادرات برای ایران و بیشتر کشورهای نفتی بالای ۹۰ درصد است، اما سهم ۹۹/۹ درصدی ایران از ارزش‌افزوده داخلی صادرات نه تنها در میان کشورهای همسایه، بلکه در میان ۱۸۹ کشور جهان (کشورهای تحت پوشش مطالعه آنکتاد) بالاترین میزان بوده است. همچنین، تحولات این شاخص در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که سهم شاخص ارزش‌افزوده داخلی برای ایران افزایش یافته است.

برای بیشتر کشورهای در حال توسعه، پیوستن به زنجیره ارزش جهانی، به مسیر نیل به توسعه اقتصادی و شکل‌دهی به ساختار صنعتی تبدیل شده است.

پسین^۱ را نشان می‌دهد. سهم ارزش‌افزوده خارجی از صادرات، وابستگی صادرات به محتوای وارداتی را نشان می‌دهد در حالی که ارزش‌افزوده غیرمستقیم میزان محتوای ارزش‌افزوده داخلی در پایین دست زنجیره ارزش را نمایش می‌دهد (نجارزاده، عاقلی، درگاهی و بیابانی خامنه، ۱۳۹۹).

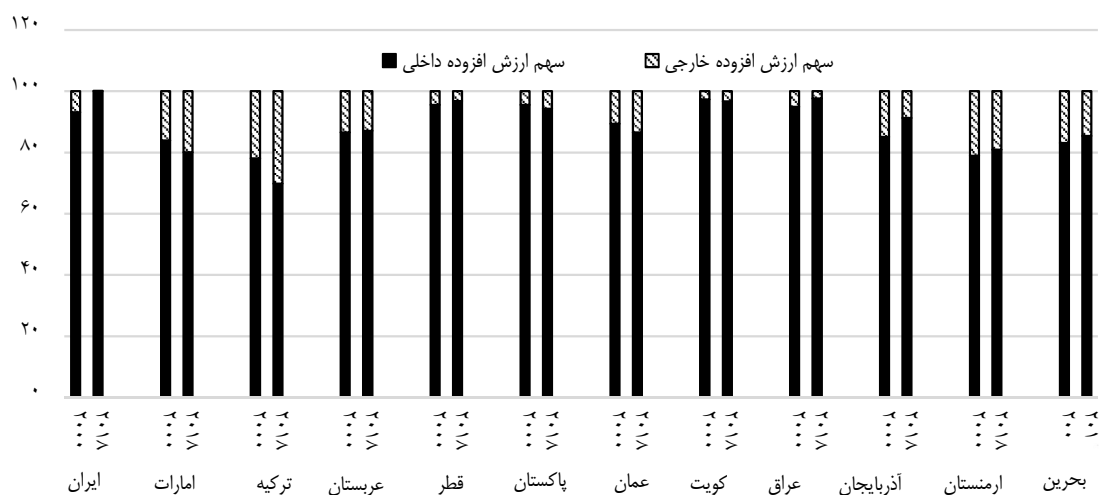
۳- مقایسه جایگاه ایران و کشورهای همسایه در زنجیره‌های ارزش جهانی

بر اساس آمارهای سازمان تجارت جهانی، در سال ۲۰۲۳ سهم ایران از کل تجارت جهانی ۰/۰۷ درصد بود که ظرف پنج سال اخیر (از سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳)، این سهم بیش از ۸۰ درصد افت داشت. این روند زمانی معنادارتر می‌شود که بدانیم ارزش مجموع صادرات و واردات جهانی در این دوره ۳۰ درصد رشد داشته است و کشورهای تراز منطقه‌ای نیز عملکرد بهتری داشته‌اند. در همین دوره، سهم ترکیه از ۱/۱۰ به ۱/۳۱ درصد رسید، اما چه عاملی مهم‌ترین دلیل این عملکرد بوده است؟ پاسخ را باید در «زنجیره‌های ارزش جهانی» جست‌وجو کرد. مهم‌ترین دلیل پایین آمدن جایگاه ایران در تجارت و بازارهای جهانی، عدم قرار گرفتن ایران در جایگاه مناسب در زنجیره‌های ارزش جهانی است. امروز بیش از ۷۰ درصد تجارت جهانی زنجیره‌محور شده و فقدان راهبرد علمی و رسمی برای ورود مناسب ایران به زنجیره‌های ارزش جهانی، مهم‌ترین اهرم رشد تجارت ظرف دو دهه گذشته را از کشور سلب

1. Forward Participation



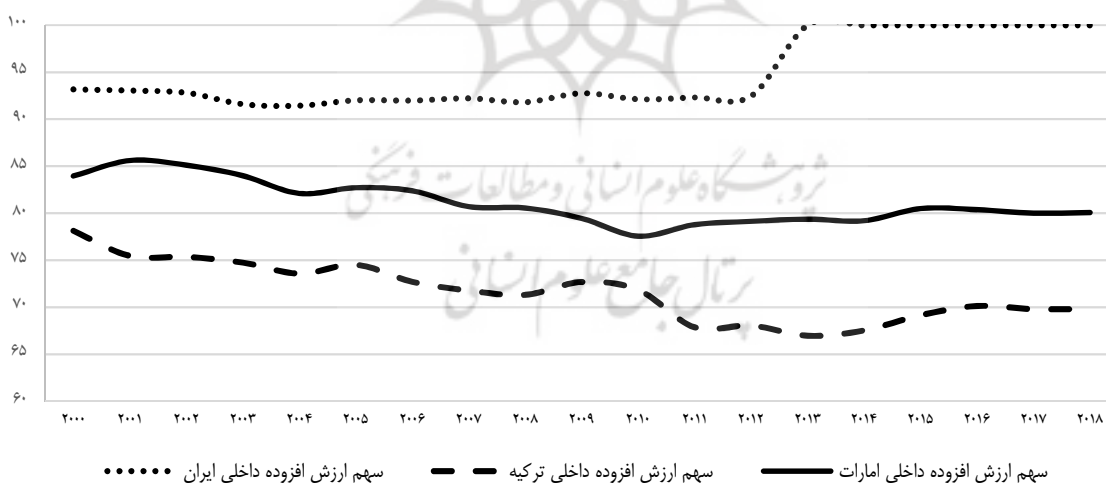
نمودار ۱- ترکیب ارزش صادرات ایران بر اساس ارزش افزوده ایران و کشورهای همسایه



مآخذ: <https://worldmrio.com>

برای ارائه تصویر روشن تر از تحولات جایگاه ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی در مقایسه با کشورهای همسایه، در نمودار شماره‌های ۲ و ۳ به‌طور مجزا سهم ارزش افزوده داخلی و خارجی ایران در مقایسه با دو کشور ترکیه و امارات متحده عربی در دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۰ نشان شده است.

نمودار ۲- مقایسه ایران، ترکیه و امارات متحده عربی در سهم ارزش افزوده داخلی در صادرات کل



مآخذ: <https://worldmrio.com>

ترکیه به‌ترتیب برای ارزش افزوده داخلی از ۷۸ به ۷۰ درصد کاهش یافته و برای ارزش افزوده خارجی نیز از ۲۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۰ درصد در سال ۲۰۱۸ برآورد شده است. امارات متحده عربی نیز مانند ترکیه

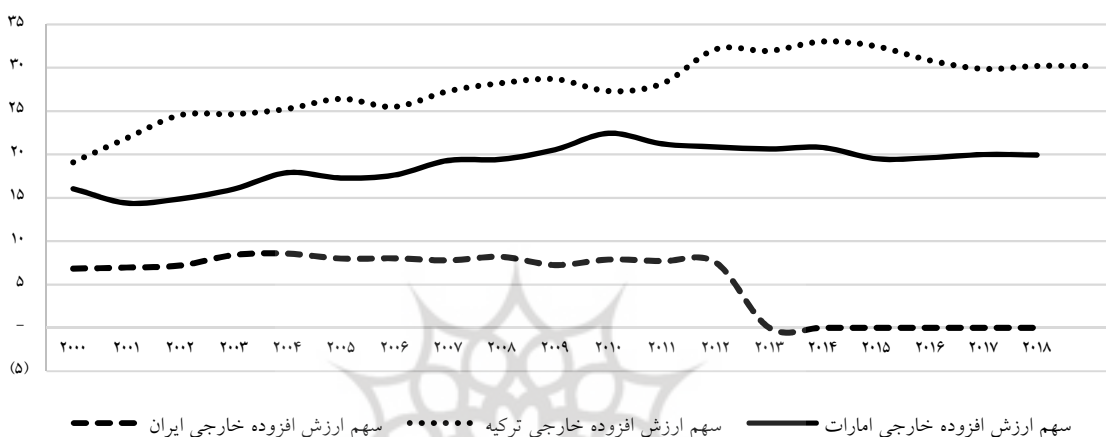
سهم ارزش افزوده داخلی در صادرات ایران در بازه زمانی مورد بررسی، از حدود ۹۳ به ۹۹ درصد افزایش و سهم ارزش افزوده خارجی در صادرات ایران نیز از ۶ به ۰/۰۱ درصد کاهش یافته است. ارقام مشابه در کشور



سهم ارزش افزوده خارجی صادرات و کاهش سهم ارزش افزوده داخلی خود از صادرات را کاهش و در مقابل، سهم ارزش افزوده خارجی را افزایش دهد. به نظر می‌رسد تمرکز ترکیه و امارات متحده عربی بر افزایش

توانسته است در بازه زمانی مورد بررسی، سهم ارزش افزوده داخلی خود از صادرات را کاهش و در مقابل، سهم ارزش افزوده خارجی را افزایش دهد. به نظر می‌رسد تمرکز ترکیه و امارات متحده عربی بر افزایش

نمودار ۳- مقایسه ایران، ترکیه و امارات متحده عربی در سهم ارزش افزوده خارجی در صادرات کل



مأخذ: <https://worldmrio.com>

۴- شاخص‌های مشارکت پسین و پیشین

کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی

بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰)، نوع مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی متفاوت است. سطح توسعه یافتگی هر کشوری که در نهایت مزیت نسبی آن کشور را می‌سازد، معین می‌کند که کالاهای صادراتی آن کشور در کجای این زنجیره قرار دارد و انتظار می‌رود که با توسعه کشور، صادرات آن کشور بیشتر کالاهایی را دربرگیرد که در انتهای زنجیره قرار دارند. این گزارش مشارکت کشورها را در زنجیره ارزش جهانی در پنج گروه طبقه‌بندی می‌کند.

گروه نخست: کالاهای اساسی با سهم بالایی از مواد اولیه در صادرات و مشارکت محدود در زمینه

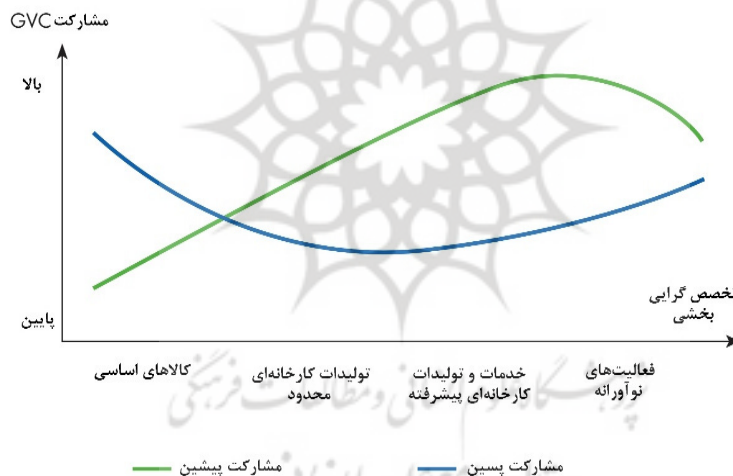
ارزش افزوده خارجی در واقع، ارزش افزوده‌ای است که در کشور صادرکننده خلق نشده و به نوعی دوباره‌شماری در آمارهای رسمی تجارت است. بنابراین، سهم واقعی تجارت از تولید ناخالص داخلی هر کشور باید با ارزش افزوده داخلی اندازه‌گیری شود. هرچه سهم ارزش افزوده داخلی افزایش یابد، گستره فعالیت‌های بالادستی افزایش می‌یابد. بنابراین، تغییرات شاخص‌های تجارت ارزش افزوده برای ایران نشان می‌دهد که با توجه به وابستگی ایران به منابع نفتی، به سمت افزایش فعالیت‌های بالادستی در زنجیره‌های ارزش بوده است درحالی‌که کشورهای مانند ترکیه، امارات متحده عربی، عمان، پاکستان و کویت سهم خود را در فعالیت‌های پایین‌دستی زنجیره ارزش افزایش داده‌اند.



فکری. نمودار شماره ۴، توزیع تقریبی ادغام پیشین و پسین در زنجیره ارزش جهانی را در چهار گروه نشان می‌دهد. کشورهایی که در مرحله کالاهای اساسی هستند، پایین‌ترین سطح مشارکت پیشین و بیشترین سطح مشارکت پسین را دارند. کشورهایی که در مرحله تولیدات پیشرفته و خدمات و همچنین کشورهای نوآرانه قرار دارند، در مقایسه با گروه کشورها در مرحله کالاهای اساسی، مشارکت پیشین بالاتری دارند.

تولیدات، گروه دوم: کالاهای اساسی با سهم متوسط از مواد اولیه در صادرات و مشارکت محدود در زمینه تولیدات، گروه سوم: تولید محدود با سهم بالای تولیدات در صادرات و مشارکت پیشین معنادار، گروه چهارم: تولیدات پیشرفته و خدمات با سهم بالای تولیدات و خدمات کسب‌وکار در صادرات، اما سطوح نسبتاً پایین از فعالیت‌های نوآرانه و گروه پنجم: فعالیت‌های نوآرانه با سهم بالای تحقیق و توسعه و سهم شایان توجه از درآمدهای مرزی مربوط به مالکیت

نمودار ۴- متوسط مشارکت‌های پسین و پیشین کشورها در هر یک از مراحل در زنجیره ارزش جهانی

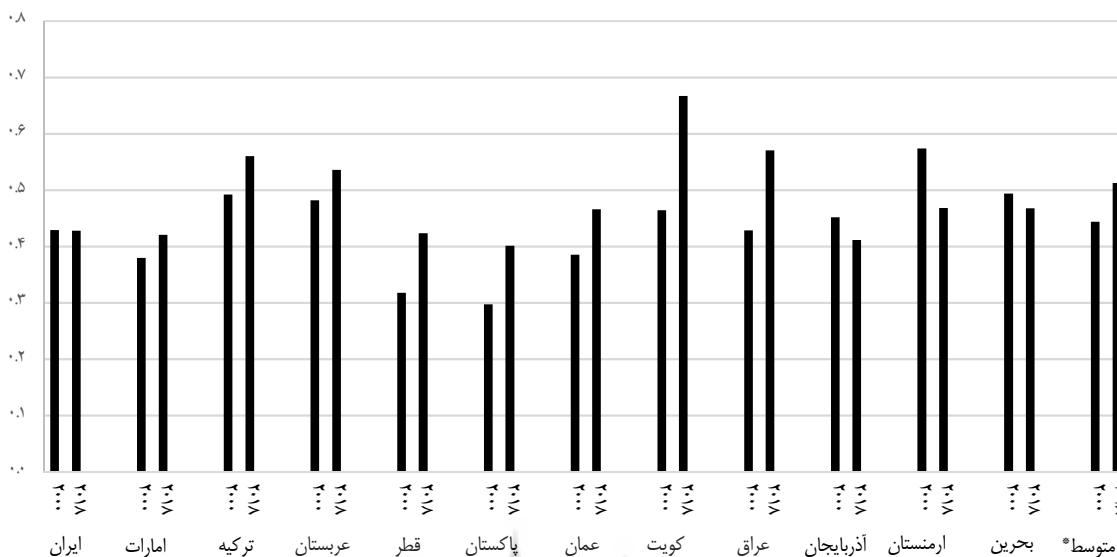


مأخذ: World Bank, 2020.

اقتصادهای مورد مطالعه با اقتصاد جهانی هستیم. شاخص مشارکت برای ایران در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. در حالی که رشد شاخص مشارکت کل در سال‌های مورد بررسی برای بیشتر کشورهای همسایه ایران مثبت بوده و به طور متوسط ۱۵ درصد رشد داشته‌اند، برای ایران این شاخص رشد منفی معادل ۰/۲ داشته است.

نمودار شماره ۵، شاخص کل مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی را نشان می‌دهد. به‌طور کلی، مشارکت تمام کشورهای همسایه به‌استثنای ارمنستان و آذربایجان در زنجیره‌های ارزش جهانی فارغ از نوع مشارکت، افزایش یافته است. همچنین، متوسط کل مشارکت کشورهای منتخب همسایه ایران نیز در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است و شاهد ادغام بیشتر

نمودار ۵ - مقایسه شاخص کل مشارکت ایران و کشورهای همسایه



مأخذ: <https://worldmrio.com>

* متوسط کشورهای همسایه.

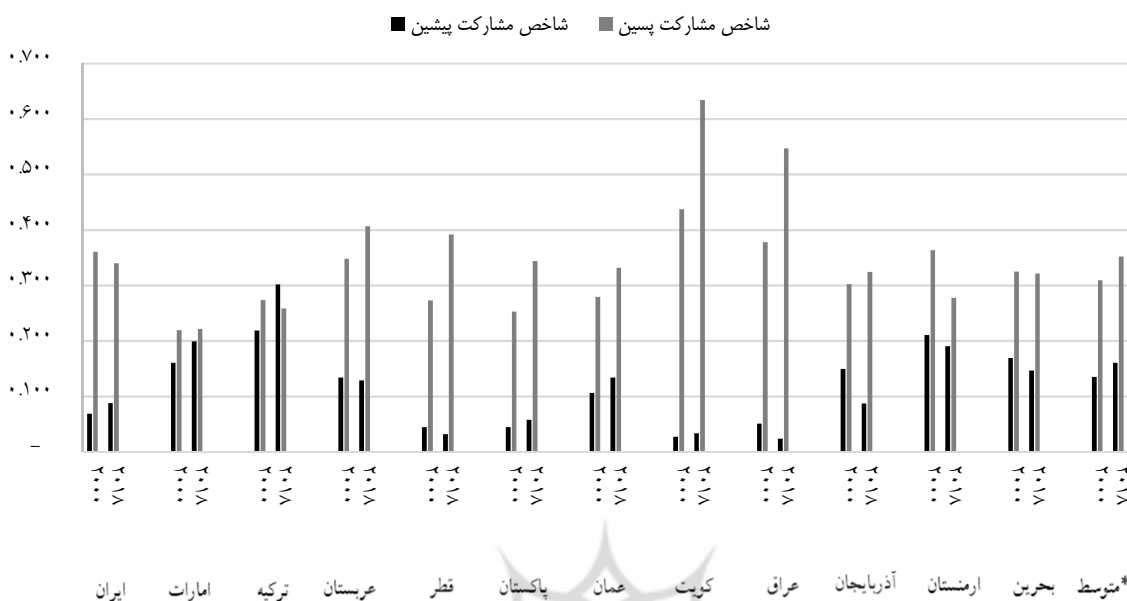
ادغام پیشین ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی کاهش یافته است. کشورهایی مانند امارات متحده عربی، عربستان، پاکستان و کویت هم به لحاظ ادغام پیشین و هم ادغام پسین در سال‌های مورد بررسی رشد کرده‌اند.

بر اساس آخرین آمار سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، حدود ۷۰ درصد از تجارت بین‌المللی، امروزه از طریق زنجیره‌های ارزش جهانی و بر اساس کالاهای و خدمات واسطه‌ای صورت می‌گیرد.

امارات متحده عربی نیز مانند ترکیه توانسته است در بازه زمانی مورد بررسی، سهم ارزش افزوده داخلی خود از صادرات را کاهش و در مقابل، سهم ارزش افزوده خارجی را افزایش دهد. به نظر می‌رسد تمرکز ترکیه و امارات متحده عربی بر افزایش سهم ارزش افزوده خارجی صادرات و کاهش سهم ارزش افزوده داخلی بوده است.

همان‌طور که در بخش دوم اشاره شد، مشارکت‌های پسین و پیشین از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش جایگاه کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی هستند. نمودار شماره ۶، شاخص‌های مشارکت پسین و پیشین را برای ایران و کشورهای همسایه نشان داده است. ایران در شاخص مشارکت پسین در سال‌های مورد بررسی رشد داشته است. به عبارتی، ادغام پسین ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی افزایش یافته است. در مقابل، شاخص مشارکت پیشین در ایران کاهش داشته است. در واقع،

نمودار ۶ - مقایسه شاخص‌های مشارکت پسین و پیشین ایران و کشورهای همسایه



مأخذ: <https://worldmrio.com>

*متوسط کشورهای همسایه.

داشته و با توجه به ماهیت فراملی زنجیره‌های ارزش جهانی، این مقوله نیز با مفهوم امنیت اقتصادی و سیاسی درهم‌تنیده است. مزایای مشارکت و ادغام هرچه بیشتر در زنجیره‌های ارزش جهانی بر کسی پوشیده نیست؛ به‌گونه‌ای که مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی کسب مزیت نسبی در امور تولیدی برای کشورها را تسهیل می‌کند و در نتیجه، درآمد سرانه، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و تولید ارزش افزوده داخلی کشورها را ارتقا می‌دهد. همچنین، با ایجاد صرفه‌های ناشی از مقیاس، مزایای یادگیری انجام کار، ورود جریان‌های اطلاعاتی، نفوذ و پیشرفت فناوری و افزایش فرصت‌های اشتغال را برای کشورها به همراه می‌آورد (نجارزاده، عاقلی، درگاهی و بیابانی خامنه، ۱۳۹۹). نکته تأمل‌برانگیز این است که ایران به لحاظ محیطی در منطقه‌ای واقع شده است که پرریسک‌ترین

به‌رغم اینکه کشورهای عربستان، کویت و امارات متحده عربی کشورهای نفتی و دارای منابع هستند، اما توانسته‌اند ادغام پیشین خود در زنجیره‌های ارزش جهانی را افزایش دهند. افزایش مشارکت پیشین کشورها می‌تواند به افزایش فعالیت‌های آن‌ها در بخش خدمات با مهارت بالا یا صنایع فناوری بر مرتبط باشد. این در حالی است که رشد شاخص مشارکت پسین در کشوری مانند ایران که منابع محور است، بدین معناست که نه تنها همچنان صادرات منابع طبیعی و فعالیت‌ها با ارزش افزوده کم را ادامه داده، بلکه سهم آن نیز افزایش یافته است.

۵ - ملاحظات امنیت اقتصادی

از دیرباز ملاحظات اقتصادی، سیاسی، ساختاری و نهادی در هر کشور تأثیرات فراوانی بر تجارت جهانی

راهبردی مرتبط با توسعه زیرساخت‌های تجاری، توسعه جذب فناوری، تحقیق و توسعه و پیچیدگی محصولات در آینده نزدیک مشارکت ایران در فرایندهای جهانی تولید را افزایش می‌دهد. از این رو، تخصیص منابع و ایجاد سازوکاری برای توسعه جذب فناوری، رونق تحقیق و توسعه و افزایش پیچیدگی محصولات مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این راستا، برای سیاست‌گذاران ایران که هدف افزایش مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی را در برنامه توسعه هفتم مدنظر قرار می‌دهند؛ راهبردهای سیاستی زیر توصیه می‌شود.

– **گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات:** تأکید هرچه بیشتر بر گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه به منظور افزایش نقش دانش در همه بخش‌های اقتصادی از جمله مواردی است که باید به منظور افزایش در شاخص پیچیدگی اقتصادی از سوی سیاست‌گذاران مورد توجه جدی قرار گیرد.

– **حمایت از به‌روزرسانی فناوری‌های تولید و محصولات جدید:** همان‌طور که می‌دانیم، فعالیت‌های دانش‌بنیان مبتنی بر تولید محصولات با فناوری‌های پیشرفته است. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین چالش‌های این شرکت‌ها نبود پشتوانه مناسب تأمین مالی برای تولید این محصولات است. در این راستا، افزایش سطح تعامل و حمایت‌های مالی دولت از این شرکت‌ها و نیز به‌کارگیری ابزارهایی که بتواند دستاوردهای این شرکت‌ها را توسعه دهد و برای محققان و شرکت‌های دنیا جذابیت داشته باشد، توصیه می‌شود.

منطقه جهان شمرده می‌شود. در چنین فضایی، ریسک‌های ژئوپلیتیکی نقش کلیدی در شکل‌دهی سیاست‌گذاری‌های دولت به‌ویژه در حوزه تجارت خارجی خواهند داشت. بنابراین، سیاست‌گذاران باید ضمن شناسایی دقیق عوامل مؤثر بر مشارکت زنجیره‌های ارزش جهانی در حوزه اقتصادی، سیاسی، نهادی و ساختاری، موانع موجود در مسیر مشارکت و ادغام بیشتر در زنجیره‌ها را برطرف کنند و در راستای شکل‌دهی به چهارچوب‌های لازم برای تقویت توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای نقش فعالی ایفا کنند، اما هم‌زمان باید مدیریت مؤثر ریسک‌های ژئوپلیتیک که منجر به ایجاد اختلال در زنجیره‌های ارزش می‌شود نیز مورد توجه قرار گیرد.

شاخص مشارکت برای ایران در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. در حالی که رشد شاخص مشارکت کل در سال‌های مورد بررسی برای بیشتر کشورهای همسایه ایران مثبت بوده و به‌طور متوسط ۱۵ درصد رشد داشته‌اند، برای ایران این شاخص رشد منفی معادل ۰/۲ داشته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

با توجه به نتایج این مطالعه و ادغام اندک ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی، توجه به متغیرها و عوامل پیشران مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی مورد تأکید این مطالعه است. بنابراین، اتخاذ سیاست‌های

برای دسترسی به منابع و بازارهای کلیدی، منجر به ایجاد اختلال در زنجیره‌های ارزش و کاهش سهم جهانی ایران در این زنجیره‌ها شده است. به‌طورکلی، سیاست‌گذاران کشور باید توجه داشته باشند که هر نوع تنش به‌ویژه تشدید تحریم‌ها می‌تواند زنجیره‌های تأمین موجود را مختل کند. استمرار تحریم‌ها اهمیت توجه به گسترش روابط با همسایگان و ایجاد زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای را بیش از گذشته برجسته کرده است. از این رو، ضمن تقویت دیپلماسی اقتصادی با همسایگان به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر چالش‌ها و تهدیدات ناشی از تحریم‌ها، تصمیمات راهبردی‌ای اتخاذ شود که ضمن کاهش نااطمینانی‌های اقتصادی در کشور و حفظ منافع ملی، آثار خارجی را نیز به حداقل برساند.

لازم است تا با به‌کارگیری داده‌های جداول داده-ستانده جهانی که تاکنون در سطح سیاست‌گذاری کلان موردتوجه قرار نگرفته‌اند، چگونگی عملکرد زنجیره‌های ارزش جهانی و بستر فراهم آوردن داده‌ها و تحلیل‌های جدید برای سیاست‌گذاران تجارت، صنعت و نوآوری مورد عنایت ویژه قرار گیرد.

- توجه به نقش و اهمیت شرکت‌های چندملیتی در سیاست‌گذاری تجاری: بر اساس آمارهای

به‌رغم اینکه کشورهای عربستان، کویت و امارات متحده عربی کشورهای نفتی و دارای منابع هستند، اما توانسته‌اند ادغام پیشین خود در زنجیره‌های ارزش جهانی را افزایش دهند. افزایش مشارکت پیشین کشورها می‌تواند به افزایش فعالیت‌های آن‌ها در بخش خدمات با مهارت بالا یا صنایع فناوری‌بر مرتبط باشد.

- **ترویج ارتباطات زنجیره تأمین داخلی:** برقراری ارتباطات میان شرکت‌های پیشرو و بنگاه‌های کوچک و متوسط¹ داخلی نقطه شروعی برای بهره‌برداری از تأثیرات مثبت و ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی است. باید توجه داشت که بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌صورت خودکار از مزایای فعالیت در قالب زنجیره‌های ارزش بهره نمی‌برند، بلکه میزان موفقیت آن‌ها در بهره‌برداری از این فرصت تا اندازه زیادی به سطح رقابت‌پذیری داخلی آن‌ها بستگی دارد. زنجیره‌های ارزش، مسیرهای جدیدی را برای انتقال دانش و فناوری در اختیار بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌دهند. انتقال دانش و فناوری در این زنجیره‌ها، نوآوری را تحریک می‌کند و به اشکال مختلف موجب ارتقای شرکت‌های کوچک و متوسط می‌شود.

- **به‌کارگیری راهبرد بهینه در برابر تحریم‌های اقتصادی:** گسترش تحریم‌های اقتصادی علیه ایران با محدود کردن فرصت‌های تجاری و ایجاد موانع

شاخص عملکرد لجستیک (شامل ارائه خدمات در حوزه جاده، راه آهن، حمل و نقل هوایی، حمل و نقل دریایی، انبارداری و...) است. به رغم اینکه ایران به لحاظ ژئوپلیتیکی موقعیتی استثنایی در منطقه دارد و به طور بالقوه کشوری لجستیکی شمرده می شود، اما متأسفانه به لحاظ عملکرد لجستیک وضعیت مناسب نداشته و مطابق با آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۲۳ در میان ۱۳۸ کشور، رتبه ۱۲۳ را کسب کرده است. این در حالی است که کشورهایی مانند امارات، ترکیه، عربستان سعود و عراق به رغم ضعیف تر بودن موقعیت جغرافیایی شان نسبت به ایران، دارای رتبه‌هایی به مراتب بهتر از ایران هستند؛ به طوری که در سال ۲۰۲۳، هر یک به ترتیب رتبه‌های ۷، ۲۶، ۳۸ و ۱۱۵ را در جهان کسب کرده‌اند. بررسی مشکلات اساسی در حوزه لجستیک کشور نشان می دهد که بسیاری از این مشکلات مربوط به عدم استفاده صحیح از امکانات، عدم مدیریت زمان، فرایندها و قوانین نامناسب است که بسیاری از آن‌ها بدون نیاز به هزینه‌های کلان قابل بهبود و ارتقا هستند. یکی از مهم ترین راهکارها برای کاهش معضلات اشاره شده، کاهش نهادهای ذی ربط و مرتبط با ترانزیت کشور است. متأسفانه در حال حاضر وضعیت در بخش ترانزیت کشور به شکلی است که هر نهاد و سازمانی برای خود تصمیم‌گیری می کند. این موضوع سبب می شود تا از سویی شرکت‌های خصوصی حمل و نقل بین‌المللی با سردرگمی در اجرای قوانین و مقررات مواجه شوند و از سوی دیگر، تداخل امور نهادهای نظارتی و اجرایی مانع فعالیت این شرکت‌ها شود. به منظور دستیابی به توسعه بیشتر در حوزه ترانزیت یکی

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، در حال حاضر ۶۰ درصد تجارت جهان را شرکت‌های چندملیتی بر عهده دارند. با توجه به گسترش حضور این شرکت‌ها در تجارت جهانی، توسعه اقتصادی آینده جهان می تواند متأثر از فعالیت این شرکت‌ها باشد. این موضوع برای سیاست‌گذارانی که تنها به قلمرو کشورها برای سیاست‌گذاری تجاری اکتفا می کنند، بسیار حائز اهمیت است و باید نقش شرکت‌های چندملیتی در حکمرانی زنجیره‌های ارزش جهانی مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. بنابراین، در گام نخست، شناخت کافی از نوع و چگونگی فعالیت شرکت‌های چندملیتی و سپس ایجاد سازوکاری برای کاهش چالش‌ها و موانع حضور و فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی در کشور توصیه می شود.

- شناسایی چگونگی و نوع مشارکت کشور در زنجیره‌های ارزش جهانی: لازم است تا با به‌کارگیری داده‌های جداول داده-ستانده جهانی که تاکنون در سطح سیاست‌گذاری کلان مورد توجه قرار نگرفته‌اند، چگونگی عملکرد زنجیره‌های ارزش جهانی و بستر فراهم آوردن داده‌ها و تحلیل‌های جدید برای سیاست‌گذاران تجارت، صنعت و نوآوری مورد عنایت ویژه قرار گیرد.

- بهبود وضعیت زیرساخت‌های تجاری: یکی از معیارهایی که برای بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی زیرساخت‌های تجاری هر کشور به‌ویژه در حوزه ترانزیت و حمل و نقل مورد بررسی قرار می‌گیرد،

counting in gross exports. *American economic review*, 104(2), 459-494.

- <https://worldmrio.com/unctadgvc/>

- World Bank (2020). World Development Report 2020: Trading for Development in the Age of Global Value Chains. Washington, DC: World Bank. doi:10.1596/978-1-4648-1457-0. License: Creative Commons Attribution CC BY 3.0 IGO.

از مهم‌ترین تدابیری که باید انجام شود، این است که میان نهادهای ذی‌ربط هماهنگی به وجود آوریم و تنها یک دستگاه یا سازمان مسئول امور ترانزیت کشور باشد.

تغییرات شاخص‌های تجارت ارزش افزوده برای ایران نشان می‌دهد که با توجه به وابستگی ایران به منابع نفتی، به سمت افزایش فعالیت‌های بالادستی در زنجیره‌های ارزش بوده است در حالی که کشورهایمانند ترکیه، امارات متحده عربی، عمان، پاکستان و کویت سهم خود را در فعالیت‌های پایین‌دستی زنجیره ارزش افزایش داده‌اند.

منابع

- نجارزاده، رضا؛ عاقلی، لطفعلی؛ حسن، درگاهی؛ و بیابانی خامنه، کاظم (۱۳۹۹). اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصاد ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۷(۹۴)، ۱۰۹-۱۲۹.

- Baldwin, R., & Robert-Nicoud, F. (2014). Trade-in-goods and trade-in-tasks: An integrating framework. *Journal of international Economics*, 92(1), 51-62.

- Koopman, R., Wang, Z., & Wei, S. J. (2014). Tracing value-added and double

